

قبلاً چندین بار و در موارد مختلف اعلام کرده ام
 به سخنرانی های سال ۱۳۸۷ مراجعه نمایند
 از حقیر سؤال و یاری را جمع به جانشینی و بزرگی و پیری و
 همبستگی و اتحاد دانسته اند
 من در شهری غریب و بی نام شان زندگی می کنم
 عمری از من باقی نمانده ، بهتر است نادیده قرار دهید
 از مرده چه انتظاری دارید ، های و هوئی ندارد
 هیچ گونه اثری از علم و جانشینی که شان گریبان
 در مقابل مشایخ دیگر شان نداده و در من بنوده و نیت
 در نزد آنرا اظهار کوچکی کرده ، معنی بیافت مریدی آنرا را ندارم
 جواب شما بی جواب می ماند ، برای حقیر هنوز توفیق نگردد
 تا در سنگ مکتب اشراقیه تشریف حاصل کنم
 آنچه رسیده سخنی و اتحاد و جانشینی خود را معرفی کرده باشم
 البته در عالم طریقت و در میان قطب و مشایخ گمگلوهای
 بسیار زیادی دانسته ام ، آیا مرید حق بیان و یا فاش کردن
 دارد ، یا باید کتمان کنند . در سنگ گنابیه بی خبرید
 در این مکتب سرداده می شود ، سرداده نمی شود

گناهی نندارید، از بی اطلاعی ناست. آنچه بر سر به
 مشایخ ارشاد، قطب جانین و دست خط از مقام بلند مرتبه ای
 بنام سید علی عریان را ارائه دادن، شما
 در زمان حیات سید، مطالب و گفتگوهای زیادی
 با هم داشتیم، مریدان قدیمی هنوز زنده هستند
 می دانند، خوب هم می دانند، بهتر نبود از آنها سؤال می کردید
 رحمت زیادی بخود نمی دادید.

تمام خلق را مرده پنداشتم
 برای آنکه غل سبک بلدناشم

در عجم و در حیرت، خصلی بی خبرید، خصلی بی اطلاعید
 هنوز هم نمی دانید، از مرده و فانی شده استفاد، به خود راه ای
 یا بی دانی نمی توانید بلند شوید، بهتر است مرا رها کنید
 خودتان را به هوا و هوس بیچارید.

آن رب العالمین را بخورید و حلیم ریاست طلبان را بهم بزنید
 در زمین سوره زار سنبل که به عمل نمی آید
 شما باید از اقطاب دگرگنجوی ها، مطهر عدیه ها
 میر طاهرها، نوربخش ها یا یکی از مشایخ مطهر عدیه ها

در نزد آنرا رحل اقامت بندگان زید کافی است
 بیدار می بیدار شوستی ملن هو شیاری شو با اهل ایمان یار شو
 ببینید بجای چیزی و چرک دنیا دارید چه می کنید
 تو را بخدا مرا وارد قیل و قال نلیند ، حقیر در کلام
 مادر بختی خرقه نهی کنم .

در همه حال کار با موی است . کبک نلته قابل فهم می باشد
 از یک فرد وارسته و فانی شده در راه حق چنین استوالات
 دنیائی بعید است ، بلکه به نظری آید افرادی که در کار مشغول هستند
 همان هائی هستند که در ایران تمام پیران و گوشه نشینان را
 بنجاک و خون کشیده و آنرا را کتفه یا فراری داده اند
 لقطاب گدشته ، اسرار را از سینه پهنه به مریدان
 و مشایخ داده اند و ای آنرا تا دم مرگ حق بیان آنرا ندارند
 کتمان و گمنامی و ملامتیه چنین است

اگر زریک هستید از خلق فرار کنید
 تا دنیای سعادان تو را آلوده نلیند
 کسانی که بی نام و نشان و گمنامند
 از شیخی و اقطاب بدورند

من در حیرتِ محقرِ هوایِ دیگری در سری پوری و رانم

دیگرانِ هوایِ دیگر غرق در آب و علف اند

شده لقطاب، جانسپنی و ریاست در سری پوری و رانم

آنگانی که همه چیز داشتند
عمری از خلق کناره گیری کردند

لقطاب بودند

ریان را باش

در آب و علفند و

ریاست و بزرگی اگر زود دارند

اگر زینکد انفراد از خلق

تا دنیا پریشان تو را آلوده نکند

کسانی که بی نام و نشان گمنا مند

رزقشعی و لقطاب بدورند

حق نلده لر سها

هدایت الهی زادگان

4-16-09